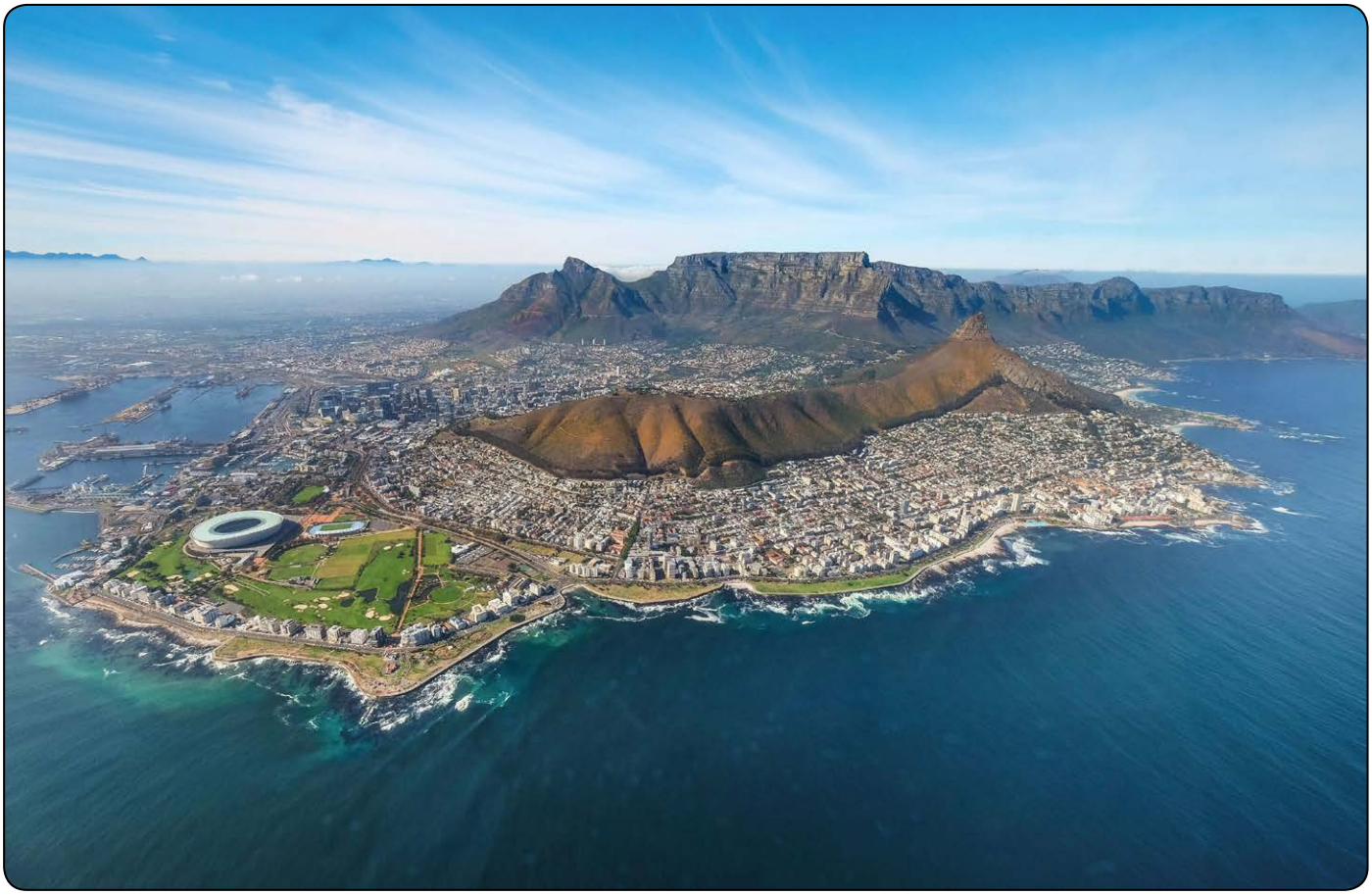
کمبود آب؛ نتیجه سوسیالیسم آبی



حال آب کشور بد است، همه هم می‌دانند، اما قدم معناداری برداشته نمی‌شود. چرا؟ برای پاسخ به این سوال جواب‌های مختلفی در ایران شنیده می‌شود. انگار همه از یکدیگر برای رهایی از این مخمصه، انتظار دارند و هیچ‌کس خودش را مسئول نمی‌داند. در جاهای مختلف دنیا هم کسانی هستند که به این درد دچارند. در پایتخت آفریقای جنوبی، یک نویسنده در مقاله‌ای وضعیت آب را تحلیل کرده که اگر بجای کیپ تاون، کشور ایران را جایگزین کنیم شاید تفاوت معناداری در تحلیل اتفاق نیفتد. البته این مقاله تنها یک تحلیل است در پاسخ به اینکه چرا قدم موثری برداشته نمی شود؛ شاید تحلیل‌های دیگری هم وجود داشته باشد که در شماره های بعدی ماهنامه امکان چاپ آنها وجود دارد.

راسل لمبرتی(Russell Lamberti) بنیان‌گذارموسسه میزس (Mises Institute) آفریقای جنوبی و استراتژیست اصلی در مرکز مشاوره سرمایه‌گذاری شرکت ایی.تی.ام و نویسنده کتاب «وقتی که پول، یک ملت را نابود می کند» است. لمبرتی در وبسایت «پولتیکس وب» مقاله‌ای تحت عنوان «کمبود آب نتیجهٔ سوسیالیسم آبی است» منتشر کرد. او در این مقاله، ایجاد شرایط بحرانی آب در کیپ تاون، پایتخت آفریقای جنوبی که شهری ساحلی است را زاده دیدگاه‌های سوسیالیستی می‌داند. سوسیالیست‌ها بر تحقق این تئوری پافشاری می‌کنند که تصاحب و تنظیم ابزار تولید، توزیع و مبادله در یک سیستم اقتصادی- سیاسی باید توسط دولتی مردمی صورت گیرد.

راسل لمبرتی معتقد است بحران آب کیپ تاون موقعیتی است که در نبود بازار آزاد آب رخ داده‌است.

وی در مقاله کمبودآب؛ نتیجه سوسیالیسم آبی (۲۲نوامبر ۲۰۱۷)، دیدگاه خود را چنین طرح می‌کند:

«بحران آب کیپ تاون را برگردن خشکسالی غیرمنتظره و نبود برنامه‌ریزی شهری دقیق برای مدیریت منابع ساکنین کیپ تاون که بیش از حد آب مصرف می‌کنند، می‌اندازند.

به‌طورکلی این دلایل کمبود آب حاشیه‌ای یا گمراه کننده هستند. دلیل واقعی بحران آب آفریقای جنوبی سوسیالیسم آبی است که آب را یک حق انسانی و منبعی که باید تماماً توسط دولت کنترل و مدیریت شود، در نظر می گیرد.

با وجود سیستم سوسیالیسم آبی، نباید شگفت زده شویم که آفریقای جنوبی با کمبود آب مواجه شود. به هر حال یکی از ویژگی های نمادین سوسیالیسم همیشه «کمبود» بوده‌است.

«حق انسانی» و «کنترل دولتی» ویژگی‌های سیستم مدیریت منابع آب آفریقای جنوبی است که آب را به یکی از سوء مدیریت شده‌ترین و به هدر رفته‌ترین منابع تبدیل کرده‌است. این مسئله باعث تأسف است، چرا که آب

یک منبع بنیادی حساس در زنجیره حیات و ساختار تولید است.
حتی یک بچه کوچک هم می‌فهمد که بدون آب هر سیستمی در جهان از هم می‌پاشد. این حکم که بعضی منابع به قدری حساس هستند که برای کسب منفعت نباید به دست سرمایه‌داران بیفتند، خیلی عقب مانده است. به جای آن باید گفت بعضی منابع حساس‌تر از آن هستند که در دست بروکرات‌های دولت رها شوند.
آفریقای جنوبی مصداق بارز این امر است. آموزش، درمان و حتی تأمین برق جزء خدماتی هستند که مدیریت دولتی دارند و با هزینه روزافزون و کاهش کمیت و کیفیت عرضه مواجه هستند. ادعای این که منابع اقتصادی باید حق انسانی باشند، بی معنی است و نباید قانوناً مجاز باشد تا به عنوان یک بند قانون اساسی کشور ذکر شود.
تصریح این که هر شخص حق دسترسی به آب کافی دارد به آن معناست که همه افراد حق مالکیت بر منابع آب را دارند، اما از آنجا که تقریباً هیچ کس عملاً حق دسترسی اختصاصی یا کنترل بر آب را ندارد، این به معنی ادعای مالکیت کلی بر عموم منابع آب است و نمی‌تواند مبنایی منطقی برای حقوق مالکیت باشد. در واقع این ادعا معادل است با این که هیچ‌کس صاحب منابع آب نیست، به جز البته دولت که خود را به عنوان تنها قیم قانونی منابع آب منصوب کرده است. بنابراین، آفریقای جنوبی تنها یک مالک دارد که آن هم دولت است و دولت طبق قانون اساسی به گونه‌ای عمل می‌کند که گویی همه مالک آب هستند. این سیستم انحصاری است که صاحب انحصار در آن مجبور است تضمین کند که همه آب کافی می‌گیرند، چه بتوانند بهای آن را پرداخت کنند، چه نتوانند. این سیستم بدترین نوع سیستم در کل جهان است و منجر به سه ویژگی اساسی می شود که سیستم را به سمت کمبود عرضهٔ نابود کننده هدایت می‌کند.

نبود قیمت بازار: هیچ بازار آب کارآمدی وجود ندارد. در نتیجه قیمت‌ها نمی‌توانند به شکل مناسبی بروز کنند تا کمیابی واقعی منعکس شود. قیمت آب در آفریقای جنوبی به جای آنکه توسط ارزش نسبی در بازار آزاد مشخص شود که کمیابی مرتبط را مشخص می‌کند، به صورت سیاسی، بروکراتیک و با تمرکز بر بازپرداخت هزینه تعیین شده‌است. در فقدان وجود قیمت به عنوان مشخصه کمیابی واقعی، که محاسبه سود و زیان را ممکن می‌سازد، غیر ممکن است که بدانیم امکانات را چگونه تخصیص دهیم تا آب مورد نیاز را تأمین کنیم.

انحصار ناکارآمد دولتی: حتی اگر قیمت شکل بگیرد و نوسان آن کمیابی را منعکس کند، انحصارگر تولید کننده که محصولات ناپایدار مورد تقاضای بالا (یعنی کالاهایی که آنچنان ضروری هستند که اثرات افزایش قیمت در میزان کم شدن تقاضایشان تأثیر زیادی ندارد. عرضه و تقاضایشان تحت تأثیر تغییرات قیمت نیست)، تولید می کند انگیزه کمی برای افزایش تولیدشان پیدا خواهد کرد. لابد انحصارگر با خود می‌گوید چرا روی افزایش عرضه سرمایه‌گذاری کنم وقتی که فقط با نگهداری سطح تولید ثابت، با توجه به عدم اجازه ورود هیچ رقیب دیگری به بازار می‌توانم سود بالاتری به چنگ بیاورم؟
بدتر از آن، از آنجا که مدیران دولتی آب خودشان نه صاحب آب هستند و نه پاسخگو به سهامداران و فقط سرایداران موقتی هستند که هیچ انگیزه‌ای حتی برای حفظ سرمایه های زیربنایی ندارند. نتیجتاً درحالی که سرمایه زیربنایی فرسوده می‌شود، امکان تأمین منابع آب تقلیل پیدا می‌کند.

تقاضای فزاینده به دلیل قیمت پایین: نه تنها سیستم قیمتی مناسب زیر سلطه دولت انحصارگر غیرممکن است، بلکه مکانیسم قیمت‌گذاری با قانون اساسی آب که بر اجبار دلالت دارد، منحرف می‌شود و منجر به کاهش قیمت آب به طور مصنوعی شده و در بسیاری موارد آن را رایگان می‌کند. قیمت بیش از حدپایین فقط کمبودها را تشدید می‌کند، وقتی آب این قدر ارزان است، مصرف‌کنندگان هیچ انگیزه اقتصادی جهت صرفه‌جویی در مصرف آن ندارند.
این سه عامل مهلک هدف نگهداری و بهبود ذخیره و کیفیت آب قابل مصرف هستند. در نهایت، فقط شما می‌توانید بازی‌های بیهوده اقتصادی را برای مدتی طول دهید، قبل از این که واقعیت خودش را تحمیل کند.
سوسیالیسم آبی ممکن است روی کاغذ زیبا به نظر برسد، اما به کمبود خطرناکی منجر می‌شود و هزینه‌های فزاینده و اجتناب‌ناپذیری را تحمیل می‌کند تا کمیابی منابع را منعکس کند. با نگاه بی‌اعتمادی و از سر غرور دولتمردان به سرمایه‌گذاران در جست‌وجوی سرمایه که طیف متنوعی از خدمات آبی را برای مشتریان گوناگون تأمین می‌کنند و مزاحم پنداشتن این گروه، دولت نه تنها تأمین برای همگان را محقق نخواهد کرد بلکه تضمین می‌کند به هیچ کس آب نرسد.
این وضعیت اداره امور در کیپ تاون است؛ جایی که ذخیره آبی به شدت رو به کاهش است به طوری که شهرداری را وادار کرده است محدودیت‌های سخت‌گیرانه مصرف آب را آغاز کند. دولت محلی سیاست خدمات آبرسانی رایگان ۵ مترمکعب اول مصرف را برای همه به غیر از فقیرترین محله‌های شهری برداشته است، اما حتی همین قیمت جدید معادل ۲۵رَند برای ۵ مترمکعب نزدیک به رایگان است.
گزارش‌ها حاکی از آن است که مردم مازاد آبی را که شهرداری به آنها تخصیص می‌دهد را در بازار سیاه آب می‌فروشند و بعضی خریداران تا ۳۰۰۰ رَند برای هر ۵ متر مکعب آبی که به طور خصوصی در بازار سیاه کیپ تاون عرضه می شود، می‌پردازند. در نتیجه، می‌دانیم قیمت گذاری دولتی آب در مقایسه با بازار آزاد به شدت پایین است. قیمت‌های این چنینی آب در بازار آزاد، این ادعای رایج ولی بی اساس را که شیرین کردن آب دریا مقرون به صرفه نیست را به سخره می‌گیرد. در عوض، واضح است که آب شبکه شهری خیلی ارزان است.
به علاوه، سیستم آبِ سوسیالیستی یعنی ماموران دولت، دائماً تلاش می‌کنند تا از تأمین و فروش آب توسط سرمایه‌گذاران به خریدارانی که واقعاً نیاز دارند، ممانعت کنند.
دپارتمان آب و فاضلاب، معامله آب معدنی خرده فروشی به صورت جدا از بطری را غیرقانونی می‌داند. مجازات چنین عملی، زندان تا حد ۵ سال است. این تهدید

بی‌نهایت مسخره و به طرز باورنکردی ظالمانه است.

این که چگونه بازار آزاد مکانیزم حل بحران کمبود آب از طریق کشاورزان غرب کیپ تاون را کلید می‌زند بدین ترتیب است که کشاورزان آب زیرزمینی را از املاک خود بیرون می‌کشند، به حومه شهر کیپ تاون می‌آورند و به خریداران خواهان آن می‌فروشند. این موضوع در مورد وضعیت تاجران ساکن شهر هم صدق می‌کند که با جمع‌آوری آب باران و فروش آن به بهبود شرایط کمک می‌کنند. هر قدر خریداران شخصی آب تولید شده خصوصی خریداری کنند، فشار کمتری به ذخیره آب شهری درحال کاهش وارد می‌شود و کاسبان بیشتری ارزش اقتصادی تولید می‌کنند. از آنجا که دولت ارزش افزوده اقتصادی را از طریق مالیات مصادره می‌کند، عقل سلیم حکم می‌کرد که دولتی‌ها اجازه این نوع از نوآوری‌ها را می‌دادند، اما تکنوکرات‌های سوسیالیست در مناصب دولتی چندان برای درکشان از ادبیات اقتصاد معروف نیستند.

حزبی که شهر کیپ تاون و غرب آن را اداره می‌کند، برای اصلاح این به هم ریختگی که مشترکاً با دولت ملی ایجاد کرده‌اند، تقلا می‌کنند. بهره‌برداری از کارخانه آب شیرین‌کن، حفاری چاه‌های عمیق با هدف رسیدن به آبخوان در اطراف کیپ تاون در دستور کار فوری قرار گرفته‌است. همچنین کمپین‌های اخلاقی شدیدی در جهت شرمسار کردن مردم، ترغیبشان به مصرف کمتر و شناسایی کسانی که مصرف مفرط دارند و جریمه کردن آنها در جریان است.

حزب حاکم کیپ تاون علی‌رغم آنکه در انتخابات شهرداری به طور چشم‌گیری برنده شد، فاقد شجاعت سیاسی برای افزایش قیمت‌ها برای منابع آبی است که در بازار آزاد به صورت غیرقانونی در دسترس است، با ترس این که رأیش را از دست خواهد داد. جالب است که چگونه قیمت بالاتر و عرضه کافی، نه فاشیستی جیره‌بندی، شرمسار کردن و جریمه کردن مشتریان «حقه‌بازی سیاسی» رقم می‌خورد و با افزایش قیمت آب، دولت می‌تواند از طریق صدور کوپن، آب رایگان برای خانواده‌های محروم فراهم کند.

در نتیجه کیپ تاون با راه‌حل‌های نیم بند برای مشکلات حاد آبی خود مواجه خواهد بود. در نهایت دولت محلی قدم‌هایی برای سرمایه‌گذاری روی ظرفیت آبی جدید برداشته‌است. درحالی که مشتریان را می‌ترساند تا کمتر آب مصرف کنند و آب کشاورزی را شدیداً جیره‌بندی می‌کند. در نتیجه، شهر احتمالاً فقط به قدر کافی دوام می‌آورد تا به فصل بارانی بعدی در زمستان ۲۰۱۸ برسد. اما سال ۲۰۱۹ و بعد از آن چه خواهدشد؟

آیا خشکسالی متوقف می‌شود و بروکرات‌های از خودراضی کندذهن را تا بحران اجتناب ناپذیر بعدی به خماری رضایت مجدد از خود فرو می‌برد؟ تلاش مأموران رسمی دولت تا به امروز به هیچ عنوان وجه فوریت موضوع را با توجه به نیاز شهر، استان و کشور کاهش نداده‌است. در شرایط فعلی نیاز است تا از طریق مالکیت‌دار کردن آب، قابل خرید و فروش کردن آن به سوسیالیسم آبی پایان داده شود و بازار رقابتی مناسب و قیمت قابل تغییر به وجود آید. همچنین ضروری است که دولت شروط غیرممکن قانون اساسی مربوط به منابع کمیاب را که آنها را حقوق انسانی می‌خواند پاک کند، قبل از این که افراد بیشتری به‌طورکلی مجبور به زندگی بدون آب شوند.»

